

بررسی ساختاری و معنایی صفت‌های برگرفته از نام جانوران در گویش لری بختیاری: تحلیلی در زبان‌شناسی زیست محیطی

مهناز طالبی دستنایی^۱

دانشجوی دکترای زبان‌شناسی دانشگاه الزهرا

فربیا قطره^۲

دانشگاه الزهرا

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۶

چکیده

عوامل مختلفی در شکل‌گیری واژه‌ها در جامعه زبانی دخیل‌اند. محیط پیرامون گویشوران، ارتباط با طبیعت و اقلیم منطقه زندگی از جمله این عوامل‌اند. زبان‌شناسی زیست‌محیطی یکی از گرایش‌های کاربردی جدید است که به بررسی ارتباط میان زبان و محیط طبیعی-اجتماعی گویشوران آن زبان می‌پردازد. ایران تنوع فراوانی در زیست‌بوم‌های طبیعی دارد؛ با توجه به ارتباط تنگاتنگ مردم ایران، به‌ویژه در گذشته با زیست‌بوم‌های پیرامونشان، انتظار می‌رود بتوان نتایج قابل توجهی از رهگذر مطالعه این تعامل‌ها به‌دست آورد. در مقاله حاضر ابتدا به معرفی و توصیف زبان‌شناسی زیست‌محیطی پرداخته می‌شود، سپس صفت‌های برگرفته از جانوران (به تفکیک حیوانات اهلی، حیوانات وحشی، پرندگان و حشرات) در گویش لری بختیاری مورد بررسی قرار می‌گیرند. این صفت‌های برگرفته از نام جانوران، به‌صورت استعاری برای توصیف جسم و رفتار انسان به‌کار می‌رود. داده‌های پژوهش از منابع نوشتاری و نیز منابع گفتاری از صاحب‌خانه و ضبط گفتار روزمره ۴ گویشور بومی به‌دست آمد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد این واژه‌ها و معناهای استعاری‌شان در توصیف خصوصیات گوناگون افراد، نشان‌دهنده تأمل گویشوران در ویژگی‌ها و خلق‌وخوی جانوران محیط پیرامونشان است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی زیست‌محیطی، صرف زیست‌محیطی، صفت، استعاره مفهومی، لری بختیاری.

1. m.talebi@alzahra.ac.ir

2. f.ghatreh@alzahra.ac.ir

۱- مقدمه

زبان‌شناسی زیست‌محیطی^۱ یکی از رویکردهای کاربردی است که با مطالعات هاگن^۲، زبان‌شناس آمریکایی-نروژی، در دهه هفتاد میلادی، پا به عرصه مطالعات زبان‌شناختی گذاشت. هاگن با اشاره به رابطه میان زبان و محیط زیست، زیست‌بوم^۳ زبانی را به صورت «مطالعه تعامل بین یک زبان خاص و محیط» تعریف کرد (استفنسن^۴، ۲۰۰۷: ۵). این رویکرد در سال‌های اخیر اقبال زیادی یافته است و پژوهشگران زیادی در سراسر جهان بر روی این رویکرد و ارتباطش با حیطه‌های مختلف علوم مطالعه می‌کنند. البته مطالعه پیرامون زبان و محیط اجتماعی و فرهنگی سابقه دیرینه در زبان‌شناسی دارد. سایپر^۵ (۱۸۸۴-۱۹۳۹) جزو نخستین زبان‌شناسانی است که به‌طور خاص ارتباط میان زبان و محیط زندگی را بررسی کرد و نشان داد چگونه عوامل بیرونی در زبان نمود پیدا می‌کنند (احمدی‌پور، ۱۳۹۰: ۲). وی در مقاله‌ای با عنوان «زبان و محیط زیست»^۶ به این نکته اشاره کرد که عوامل اجتماعی ساده‌ترین تأثیرات محیط را بازتاب می‌دهند و خود اجتماع نیز ماهیتی زیستی و محیطی دارد. انسان درون این عوامل زندگی می‌کند، با آنها تعامل دارد و به آنها واکنش نشان می‌دهد. از این رو، سایپر محیط زیست را شامل عوامل فیزیکی (جغرافیا، آب و هوا، محیط طبیعی و مانند آن) و عوامل اجتماعی (هنر، مذهب، معیارهای قومی و نوع حکومت) معرفی می‌کند که تفکر و حیات افراد آن جامعه را شکل می‌دهند. هر دوی این دسته عوامل در زبان افراد بازتاب می‌یابند و پیشینه محیطی آنها به‌طور مادی بر زبانشان تأثیر می‌گذارد.

جانوران، از گذشته‌های بسیار دور تاکنون، در زندگی انسان نقش زیادی داشته‌اند، آنها بسیاری از صفات اخلاقی و ویژگی‌های انسانی مانند ذکاوت، حماقت، شجاعت و جز آن را با خود همراه دارند. انسان برای ملموس کردن و آسان کردن برخی از مفاهیم انسانی از جانوران استفاده می‌کند. در مقاله حاضر تلاش می‌شود تا صفات‌های زیست‌محیطی برگرفته از جانوران از لحاظ ساختاری و معنای استعاری مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. این صفات‌های زیست‌محیطی در چند گروه (حیوانات اهلی، حیوانات وحشی، پرندگان و حشرات) طبقه‌بندی می‌شوند و هر واژه از نظر ساختار واژگانی و معنی استعاری بررسی و تحلیل می‌شود.

1. ecolinguistics

2. E. Haugen

3. ecology

4. S. V. Steffensen

5. E. Sapir

6. language and environment

۱-۱- درباره گویش لری بختیاری

گویش بختیاری از جمله گویش‌های جنوب غربی ایران و، به همراه دیگر گویش‌های لری و فارسی، بازمانده فارسی میانه است که خود بازمانده فارسی باستان است (طاهری، ۱۳۹۱: ۱۱۲). به‌باور کرمیان (۱۳۹۲: ۱۵)، از مقایسه و تطبیق واژه‌های پهلوی و لری چنین برمی‌آید که گویش لری یکی از کهن‌ترین گویش‌های غرب ایران است که باستانی‌بودن این گویش را دست‌کم به دوره پارت و ساسانی عقب می‌برد. از آنجا که زندگی عشایر لر با زمین و دام پیوندی عمیق داشته است، در گویش لری صفت‌ها و واژه‌های فراوانی برای توصیف پدیده‌های محیط پیرامون گویشوران وجود دارد (مسیحی‌پور و خرمی، ۱۳۹۵: ۱۴۵). گویش لری بختیاری نیز دارای صفت‌های فراوانی است؛ چنانکه برای توصیف یک پدیده می‌توان از صفت‌های گوناگون استفاده کرد که از نظر کاربردشناسی و معنی‌شناسی دارای تفاوت‌های بسیار ظریف هستند و تنها گویشور بومی قادر به درک آنهاست. در طبقه‌بندی واژه‌های گویش لری بختیاری (با تمرکز بر گویش لری بختیاری استان چهارمحال و بختیاری) مشاهده شد که صفت‌های گوناگونی در این گویش وجود دارند که متأثر از محیط زیست و زیست‌بوم این منطقه است. به‌اعتقاد شریفی‌مقدم و ندیمی (۱۳۹۲: ۱۴۷) بعضی از صفت‌ها در گویش‌ها با توجه به ویژگی‌های ظاهری، خلق و خو، رفتار و جثه حیوان و برداشت یا تصور جامعه انسانی از آن حیوان شکل گرفته است. به‌نظر می‌رسد ارتباط نزدیک مردم این منطقه با طبیعت، کشاورزی و دامداری (به‌ویژه در گذشته) منجر به ساخت و استفاده از این واژه‌ها در گفتارشان شده است.

۲- چارچوب نظری

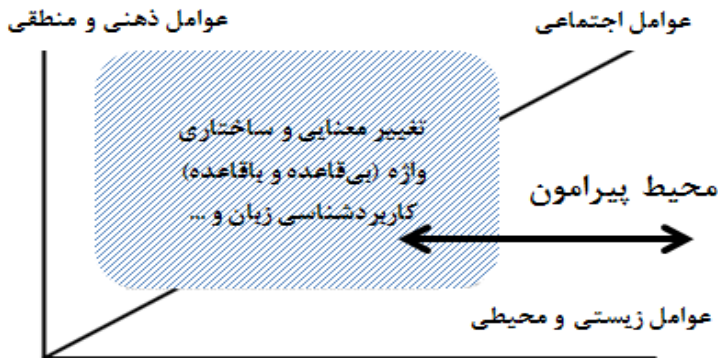
زبان‌شناسان زیست‌محیطی چون مولهاسلر^۱ (۲۰۰۳) بر این باورند که زبان با جهان و محیط اطراف ارتباط تنگاتنگ دارد؛ بدین معنی که هم، زبان جهان را می‌سازد و هم، محیط اطراف ما زبان را می‌سازد. در واقع مولهاسلر (۲۰۰۳: ۲) معتقد است، زبان‌ها ترکیب پیچیده‌ای بین ساختن محیط زیست و ساخته‌شدن توسط محیط زیست هستند. تلاقی زبان و محیط زیست را می‌توان مطالعه تعامل زبان و محیطش دانست که در این رویکرد محیط زبان جامعه‌ای است که کدهای زبان مورد نظر را فراهم می‌کند (هاگن، ۱۹۷۲: ۳۲۵). به‌باور بارون^۲ و همکاران (۲۰۰۲: ۱۰)، از زمانی که هاگن اصطلاح زبان و محیط زیست را بر سر زبان‌ها انداخت، این اصطلاح و بالطبع مطالعات پیرامونش پا به عرصه حیطه‌های مرتبط با زبان و شناخت، چگونگی حفظ

1. P. Mühlhäusler
2. C. Barron

زبان‌های در حال انقراض، تنوع‌های زبانی، برنامه‌ریزی و سیاست زبانی، زبان‌آموزی کودک و تحول زبانی گذاشت.

برای نخستین بار استنسن و باندزگارد^۱ (۲۰۰۰) در مقاله‌ای به اصطلاح «صرف زیست‌محیطی» اشاره کردند و امکان بررسی چنین رویکردی را مطرح کردند. به نظر می‌رسد از آن زمان تاکنون پژوهش کاربردی قابل توجهی در این زمینه صورت نگرفته است. به طور کلی، چنان‌که ساپیر (۱۹۱۲: ۱۳) می‌گوید، تأثیر محیط بر زبان در سه جنبه آن آشکار می‌شود: واژگان، نظام آوایی، دستور (صرف و نحو). در این میان، واژگان آشکارا این تأثیر را به نمایش می‌گذارد. واژگان هر زبان، انبار ایده‌ها، علاقه‌مندی‌ها و مشغله‌هایی است که ذهن اهل آن زبان را به خود معطوف می‌کند. بنابراین واژگان هر زبان می‌تواند فرهنگ اهل آن زبان را نیز نشان دهد، زیرا هر منطقه با توجه به شرایط اقلیمی خود، گونه‌های گیاهان، جانوران و پدیده‌های طبیعی منحصر به فردی دارد. برای نمونه، در مناطق جنوبی کشور برای انواع خرما دست‌کم سی نام (قصب، کبکاب، مینایی، سیسی، حلّو، سروری، زندنی، خشن خار، استک سرخو، خاصویی و ... (صفاری، ۱۳۷۱: ۳)) و در منطقه برزک کاشان برای انواع گلابی دست‌کم پنج نام (حسینی، ترشه، شاه‌میوه، گلابی، گونجانی و امرود) وجود دارد. کسانی که با این اقلیم و محصولات آشنا نیستند، ممکن است انواع خرما و گلابی را با یک نام بشناسند. به اعتقاد قطره و همکاران (۱۳۹۴) در چارچوب زبان‌شناسی زیست‌محیطی می‌توان به تأثیر محیط زیست طبیعی بر شناخت این گویشوران از جهان خارج و تبلور آن در واژه‌سازی‌هایشان پی برد. همچنین، می‌توان ساختار صرفی واژه‌هایی را که در گویش‌های مختلف برای بیان مفاهیمی مشخص (برای مثال رنگ‌ها، روابط خویشاوندی و مانند آن) به کار می‌روند با یکدیگر مقایسه کرد و از این طریق به تفاوت‌های شناختی میان گویشوران هر کدام از آن گویش‌ها دست یافت. صرف زیست‌محیطی به بررسی ارتباط مستقیم زبان با زیست‌بوم یعنی همان محیط پیرامون زندگی، آب و هوا و گیاهان و جانوران می‌پردازد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این رویکرد این است که واژه‌های مرتبط با زیست‌بوم را در زبان‌ها و گویش‌ها جمع‌آوری و تغییرات معنایی آنها را بررسی کند. گویش‌ها و زبان‌ها بسته به میزان ارتباطشان با زیست‌بوم و تغییر در هر کدام از مؤلفه‌های زیست‌بومی در این نوع واژه‌ها متفاوت‌اند. همان‌طور که قطره و همکاران (همان) بیان می‌کنند، نقش محیط زیست طبیعی در تنوع لهجه، گویش و صرف زبان‌ها غیرقابل انکار است و چنین به نظر می‌رسد که باید برای یافتن دلیل تنوع گویش‌های محلی و منطقه‌ای به صرف

زیست‌محیطی متوسل شد، زیرا می‌توان در چارچوب این رویکرد به بررسی تفاوت‌های صرفی-نحوی با توجه به تغییر اقلیم پرداخت. شکل شماره ۱، الگویی است که توسط بنگ^۱ و دور^۲ (۱۹۹۳) برای نشان‌دادن عوامل منطقی مختلف مؤثر بر زبان ارائه شده است.



شکل ۱- الگوی سه‌بعدی عوامل مؤثر بر ایجاد یا تغییر واژه برگرفته از بنگ و دور (۱۹۹۳)

چنان‌که از شکل مشخص می‌شود، برای شکل‌گیری و تغییر یک واژه عوامل و فیلترهای متفاوتی وجود دارد. بُعد عوامل ذهنی و منطقی شامل خرد فردی و جمعی و نظام ذهنی، روانی و شناختی گویشوران زبان است. بعد عوامل اجتماعی به ویژگی‌های اجتماعی و باید و نبایدهای زبانی اشاره می‌کند که محیط اجتماعی به ما می‌آموزد و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. در اصل، این محیط پیرامون است که بینش کلی روانی-اجتماعی را در ما به وجود می‌آورد. بعد عوامل زیستی و محیطی به هم‌زیستی انسان با محیط طبیعی پیرامونش مانند گونه‌های مختلف جانداران، گیاهان، پدیده‌های طبیعی مانند دریاها و کوه‌ها، اقلیم‌های مختلف و مانند آن مرتبط است. ایجاد یا تغییر هیچ واژه‌ای در زبان تک‌بعدی یا تک‌عاملی نیست، همان‌طور که برای مثال عمل دیدن فقط فیزیکی نیست، بلکه قدرت مغز و حتی مسائل روانی برای اینکه عمل دیدن اتفاق بیفتد نقش حیاتی دارند. رویکرد صرف زیست‌محیطی می‌تواند با در نظر گرفتن سه عامل اجتماعی، ذهنی-منطقی و زیستی-محیطی توجیه مناسبی برای چگونگی شکل‌گیری و تغییر واژه‌ها و زبان داشته باشد.

1. J. C. Bang
2. J. Døør

با شکل شماره ۱ می‌توان توضیح داد که چرا زبان‌شناسی زیست‌محیطی دارای رویکردها و زیرشاخه‌های مختلفی است، زیرا عوامل اجتماعی، زیستی و محیطی و ذهنی و منطقی در رویکردهای مختلف زبان‌شناسی زیست‌محیطی ارزش و اعتبار متفاوتی دارند.

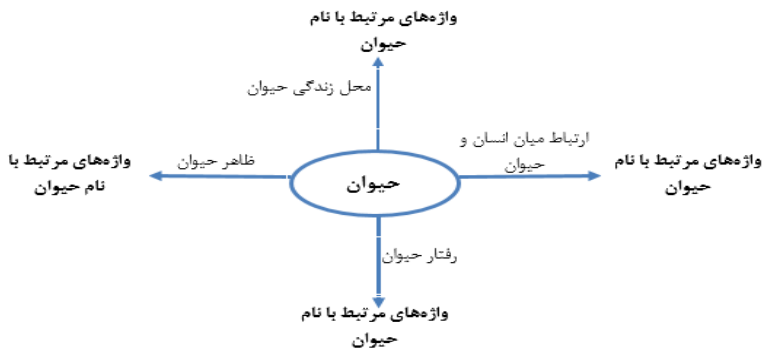
۲-۱ استعاره‌های مفهومی^۱

به اعتقاد لیکاف^۲ و جانسون^۳ (۱۹۸۰: ۲۰۰) استعاره به‌عنوان فهم یک حوزه مفهومی بر پایه حوزه مفهومی دیگر تعریف می‌شود. در استعاره‌های مفهومی، دو حوزه اصلی وجود دارد: حوزه مبدأ^۴ که با آن عبارات استعاری خلق می‌کنیم، و حوزه مقصد^۵ که می‌کشیم تا آن را درک کنیم؛ در استعاره‌های مفهومی، حوزه مبدأ به‌طور معمول، مفهومی ملموس است، در صورتی که حوزه مقصد مفهومی انتزاعی‌تر به کار می‌گیرد. از دید لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و کووچش^۶ (۲۰۰۰)، استعاره‌های مفهومی نقش اساسی در فعالیت‌های ادراکی ما دارند و سرچشمه و مبنای تفکر انسان هستند. استعاره بر پایه نام جانوران، گیاهان و پدیده‌های طبیعی در تمام فرهنگ‌ها و زبان‌ها رایج است؛ برای مثال، شیر نمایانگر شجاعت است، جغد در برخی فرهنگ‌ها نمایانگر خردمندی است، اما در زبان فارسی استعاره از فرد شوم و بدیمن است (طالبی‌نژاد و دستجردی، ۲۰۰۵: ۱۴۴) و خورشید استعاره از بخشنده‌گی و قدرت است (دونگ^۷، ۲۰۱۳: ۲۵۰). ممکن است در برچسب‌ها و معناهای ضمنی این استعاره‌ها تفاوت‌های بسیاری وجود داشته باشد، اما استعاره‌های مفهومی کلی «انسان حیوان است»^۸ و «انسان گیاه است»^۹ در همه فرهنگ‌ها وجود دارد (هسیه^{۱۰}، ۲۰۰۶: ۲۲۱۴ و کووچش، ۱۹۹۷). از این رو می‌توان آنها را حتی یک جهانی زبان‌شناختی دانست. ویرژبیتسکا^{۱۱} (۱۹۸۵: ۱۶۴) بر این باور است که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت یک حیوان که در زبان تبلور می‌یابد، از چهار عامل تشکیل شده‌اند؛ الف) رفتار حیوان، ب) محل زندگی حیوان، ج) چگونگی و میزان ارتباطش با انسان و د) ظاهر حیوان. استعاره نام یک حیوان نیز در هر فرهنگ براساس این مؤلفه‌ها تعریف می‌شود، به همین دلیل است که مؤلفه‌های معنایی برای یک حیوان در دو زبان متفاوت است، برای مثال در فرهنگ ایران، شیر همیشه حیوانی اصیل، باارزش و قدرتمند به‌شمار می‌آمده و استفاده از لقب‌هایی مانند «شیرمرد و شیرزن» برای توصیف افراد شجاع، والامقام و قدرتمند گواهی بر

1. conceptual metaphor
2. G. Lakoff
3. M. Johnson
4. source domain
5. target domain
6. Z. Kövecses

7. H. Dong
8. HUMAN IS AN ANIMAL
9. HUMAN IS A PLANT
10. S. Hsieh
11. A. Wierzbicka

این اعتقاد است. در زمان قدیم در چین، شیر وجود نداشت و به دلیل شرایط طبیعی، این منطقه زیستگاه مناسبی برای ببرها بوده است. به جای شیر، در چین ببر سلطان جنگل و نماد قدرت و شجاعت است. برای همین در زبان چینی، ضرب‌المثل و اصطلاح و استعاره مرتبط با قدرت و عظمت ببر فراوان است (زن رونگ، ۱۳۹۳: ۱۶).



شکل ۲- مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت یک جانور در زبان، هسیه (۲۰۰۶: ۲۲۱۴)

هسیه (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی و مقایسه استعاره‌های حیوان‌ها در زبان چینی ماندین و زبان آلمانی پرداخت. داده‌های جمع‌آوری شده از میان پیکره‌های معتبر زبان چینی ماندین و زبان آلمانی و ضبط گفتار روزمره گویشوران چینی ماندین و آلمانی نشان می‌دهد که بیشترین استعاره‌های حیوان‌ها مربوط به ظاهر و توصیف ظاهر است. برای حیوان‌ها استعاره مربوط به ارتباط انسان و حیوان و برای گیاهان استعاره مربوط به «کاربرد» نیز شایع است. همه این استعاره‌ها نشأت گرفته از تجربه انسان از طریق درک دیداری، مزه و بو و دیگر جنبه‌های گیاهان و حیوان‌ها در گذر زمان به دست آمده است.

در پژوهش حاضر پس از جمع‌آوری اولیه صفت‌های زیست‌محیطی مرتبط با حوزه جانوران، معنای استعاری آنها بررسی می‌شود؛ به این صورت که معنای ضمنی هر کدام از آن صفت‌ها استخراج می‌شود، سپس پربسامدترین و عام‌ترین معنای استعاری برای نام هر جانور بررسی می‌شود. از آنجایی که گویشوران هر زبان به خصوصیات موجودات پیرامون خود دقت می‌کنند و معمولاً از بارزترین خصوصیت جانور برطبق زیست‌بوم و درک از رفتار جانور، از معنای استعاری، ضمنی و تشبیهی در گفتار و نوشتارشان استفاده می‌کنند، در این پژوهش بر آنیم تا مشخص کنیم در گویش لری بختیاری از کدام جانوران و برای اشاره به کدام پدیده‌ها و مفاهیم استفاده شده است.

۳- بحث و تحلیل داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از منابع گفتاری و نوشتاری مختلف گویش لری بختیاری استفاده شد. مهم‌ترین منابع نوشتاری کتاب‌های داوری (۱۳۴۳)، قنبری عدیوی (۱۳۴۶) و فروتن (۱۳۷۵) است و داده‌ها در بخش منابع گفتاری از مصاحبه و ضبط گفتار روزمره ۴ گویشور بومی به‌دست آمد. از گویشوران خواسته شد که برای جانوران مورد نظر، ضرب‌المثل، اصطلاح، داستان، مثل و هرآنچه به ذهنشان می‌رسد، بگویند. در جدول شماره ۱، صفت‌هایی از گویش بختیاری، برگرفته از نام جانوران اهلی محل زندگی گویشوران، از نظر ساختار صرفی، معنای تحت‌اللفظی و معنای استعاری بررسی می‌شود. گویشوران این منطقه با تأمل دقیق در ویژگی‌های حرکتی و رفتاری این جانوران، از نامشان برای توصیف افراد استفاده می‌کنند.

جدول شماره ۱- صفت‌های گویش بختیاری برگرفته از نام جانوران اهلی محل زندگی گویشوران

صفت	تلفظ	ساختار صرفی	معنای تحت‌اللفظی	معنای استعاری	واژه‌های پیچیده ^۱	گروه‌های نحوی
اسم	Æsm	ساده	اسب	سریع و چابک، ثروت	-	اسم پیش‌کشی: هدیه
بره	Bæræ	ساده	بره	آرام، سودمند	بره‌مرده: بسیار اندوهگین	
بز	Boz	ساده	بز	شیطان، پر جنب و جوش، بی‌فکر و بی‌اعتنا	-	بز گر: فرد بیمار و گوشه‌گیر بز هل (بز بدون شاخ): ناآرام بز ناهم‌بو: فرد غریبه و ناآشنا
بیگولی	biguli	ساده	بزغاله نر	شیطان و سربه‌هوا و ناآرام.	بیگولی خراتی (بز خیره): بسیار لاغر و ضعیف	-
خر / حر	xar/hær	ساده	خر	نادان، بی‌فکر، بزرگ، پرکار، مظلوم، کم‌ارزش	هولی خر (کره خر): بی‌ادب، کسی که اداب معاشرت نمی‌داند.	چرم خر: بی‌ارزش، مال حرام حر حمومی (خر فرد حمامی): پرسروصدا، بی‌تربیت
سگ	Sæg	ساده	سگ	پرسرو صدا، وحشی، ولگرد، درنده‌خو	سگ‌سیاه: سبزه بداخلاق و وحشی سگ‌لاسی: سگ ماده، اشاره منفی به دختر یا زن سگ‌خور: تلف شده، از بین رفته سی‌صلح/اسگ‌صلح: صلح ناپایدار	سگ پاچه‌گیر: زبان تیز و دعوایی سگ لهر: وحشی و سیرنشدنی

۱- منظور از واژه پیچیده، هر نوع واژه غیرساده اعم از مشتق، مرکب و مشتق مرکب است.

گروه‌های نحوی	واژه‌های پیچیده ^۱	معنای استعاری	معنای تحت‌اللفظی	ساختار صرفی	تلفظ	صفت
قل شتری (وقتی چایی یا آب در حال جوش شدید است).		ارزشمند، برای توصیف ظاهر درشت و بی‌تناسب	شتر	ساده	fotor	شتر
نال کردن قاطر (نعل کردن قاطر): کسی می‌خواهد به زور خود را باارزش نشان دهد.	قاطر پوزه: فرد کوتاه‌قد	بی‌فکر	قاطر	ساده	qatər	قاطر
شاخ گاوزیده (شاخ گاوزده): کسی که دیگران از وی بیزارند.	گااسراییلی: آدم پرزور و پرکار گامیش: درشت، بی‌فکر و پرخور گاکور: کسی که زیاد غذا می‌خورد و نمی‌فهمد کی سیر می‌شود.	نفهم و بی‌فکر، پرزور	گاو	ساده	Ga	گا
گره تیاوانکرده (گره چشم‌بازنکرده): کسی که بدون بررسی شرایط همه‌جا می‌رود.	گره دستی: اویزان، بی‌مزه (در فارسی نمی‌توان معادل مناسبی گفت). گره لاسی (گره ماده): برای اشاره توهین آمیز به دختر یا زن گره‌مدیق (گره مطبخ): اویزان، سمج گره‌ملق (گره لوس): لوس و بی‌مزه، خنک، نجسب	بی‌وفا، لوس، کم‌ارزش	گره	ساده	gorbæ	گره
-	-	نفهم، بی‌فکر	گوساله	ساده	guwæ r	گور
پشم میش: پرارزش	-	بی‌آزار، کسی که آرام است و به دیگران سود می‌رساند.	میش	ساده	mif	میش

جدول شماره ۱، علاوه بر نشان‌دادن معنای تحت‌اللفظی، ساختار صرفی و معنای استعاری، واژه‌های پیچیده و گروه‌های نحوی زیست‌محیطی را نشان می‌دهد که برای توصیف و در نقش صفت ظاهر می‌شوند و مستقیماً از نام جانوران اهلی گرفته شده است. در پیکره مورد بررسی نام برخی از جانوران در واژه‌های پیچیده و گروه‌های نحوی شرکت کرده‌اند، خط تیره در این ستون به این معناست که در رابطه با جاندار مورد بحث واژه پیچیده یا گروه نحوی یافت نشده است. ساختار صرفی نام همه جانوران اهلی ساده است. در ستون «معنای استعاری واژه در گویش» پربسامدترین و عام‌ترین معنای استعاری برای هر جانور نوشته شده است. گویشوران به

خصوصیات موجودات پیرامون خود دقت می‌کنند و معمولاً از بارزترین خصوصیت جانور برطبق زیست‌بوم و درک از رفتار جانور، از معنای استعاری، ضمنی و تشبیهی در گفتار و نوشتارشان استفاده می‌کنند. همچنین دو ستون آخر واژه‌های پیچیده و گروه‌های نحوی زیست‌محیطی را نشان می‌دهد که ساخته‌شده از نام جانوران اهلی محل زندگی گویشوران است و در توصیف افراد به‌کار می‌رود. استفاده زیاد از صفت‌ها و واژه‌هایی درباره سگ و گربه در گروه‌های اسمی و صفتی نشان از تأثیر این دو موجود در زندگی مردم این منطقه دارند. همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، واژه‌های ساده سگ، گربه، گاو و الاغ در گروه‌های اسمی زیادی شرکت می‌کنند. در گذشته در این منطقه صنعت کشاورزی و دامداری رواج بسیاری داشته است، به‌طوری که هر خانواده یک سگ برای محافظت از دام‌ها و محصولات خرمن داشته، کاهدان و هیمه‌دان (مکانی برای انبار هیزم) نیز پناهگاه مناسبی برای گربه‌ها بوده و هر حیاط حداقل یک گاو و یک الاغ داشته است. به همین دلیل، این واژه‌ها در گویش منطقه پرکاربردند و گویشوران در گفتار روزمره خود در مثال‌ها و صفت‌هایی برای توصیف افراد به کرات از این واژه‌ها استفاده می‌کنند. این صفت‌ها دارای معنای ضمنی مختلفی هستند، برای مثال گربه تیاوانکرده (در جدول ۱) به کسی گفته می‌شود که زیاد و سرزده به منزل اطرافیان می‌رود؛ زیرا گربه ماده پس از به‌دنیا آمدن بچه‌هایش، برای حفظ امنیتشان (درحالی که چشمان توله‌هایش هنوز بسته است) آنها را به مکان‌های مختلف می‌برد، که گاهی موجب آزار و زحمت برای اهل خانه می‌شود. معنای این عبارت نیز از رفتار گربه مادر و توله‌هایش گرفته شده است. برای برخی از واژه‌ها و گروه‌های نحوی نام جانوران مانند گربه‌دستی، گربه‌مدبق، گربه‌ملق (جدول ۱) در فارسی نمی‌توان معادل مناسبی یافت.

جدول شماره ۲، صفت‌های زیست‌محیطی برگرفته از نام جانوران غیراهلی در پیکره مورد بررسی گویش لری بختیاری را از نظر ساختار صرفی، معنای تحت‌اللفظی و معنای استعاری بررسی می‌کند.

جدول شماره ۲- صفت‌های گویش بختیاری برگرفته از نام جانوران غیراهلی محل زندگی گویشوران

صفت	تلفظ	ساختار صرفی	معنای تحت‌اللفظی	معنای استعاری	واژه‌های پیچیده	گروه‌های نحوی
انتر	aɛntər	ساده	انتر	زشت و بی‌قواره	-	-
بق	bæq	ساده	قورباغه	کوچک، بی‌ارزش	کله پارچه‌بی (کله پاچه قورباغه): کسی که زیاد حمام می‌رود.	بق اووی (قورباغه آبی): کسی که زیاد حمام می‌رود.

گروه‌های نحوی	واژه‌های پیچیده	معنای استعاری	معنای تحت‌اللفظی	ساختار صرفی	تلفظ	صفت
پلنگ که (پلنگ کوه): زرتنگ و سریع	-	بسیار ماهر و زرتنگ	پلنگ	ساده	pælang	پلنگ
خرس تیرخورده: کسی که آسیب دیده و سعی در آسیب‌زدن به دیگران دارد.	-	بی‌فکر، با هیکلی درشت	خرس	ساده	xərs	خرس
-	-	سریع و نادان	خرگوش	مرکب	xærguʃ	خرگوش
رواه دین شولی (رواه دم‌دراز): شرور و حيله‌گر	-	رواه: زبرک و حيله‌گر	رواه	ساده	ruwa	رواه (روبه)
قر شاغال (قهر شغال): فرد فکر می‌کند با کارش به دیگران آسیب زده، اما در واقع سود رسانده است.	-	خسیس، زرتنگ، بدجنس، مزاحم	شغال	ساده	ʃaɣal	شاغال
حلق شیر: نهایت خطر	شیرجمعه: کسی که یک هفته بره‌ها را نگه می‌دارد و به چرا می‌برد.	کاردان و باعرضه، شجاع	شیر	ساده	ʃir	شیر
-	-	کند و آرام، باحوصله	لاک‌پشت	مرکب	kəsə poʃt	کاسه‌پشت
-	-	نحس، بدذات، ترسو	کفتار	ساده	kæftar	کفتار
-	-	وحشی، سریع و بی‌ملاحظه	گراز	ساده	goraz	گراز
-	-	نوعی موش که به جمع‌آوری اشیای براق علاقه‌مند است.	گوزه	ساده	gərzæ	گوزه
گرگ طمع‌کار: فرد بسیار طمع‌کار (گرگ گرسنه): فرد طماع و سیرنشدنی	-	وحشی، طمع‌کار، خیانتکار	گرگ	ساده	gorg	گرگ
-	-	بدشکل و بی‌قواره در عین حال با رفتارهای عجیب	مارمولک بزرگ	ساده	gærgæras	گرگراس
اشکم مایون (شکم مادیان، بچه مادیان): پرازش	-	سودرسان و آرام	مادیان		mayun	مایون

گروه‌های نحوی	واژه‌های پیچیده	معنای استعاری	معنای تحت‌اللفظی	ساختار صرفی	تلفظ	صفت
مار سیا: بدجنس و وحشی مار آستین پیغمبر: بسیار ناسپاس مار هفت‌سر: فرد بسیار آسیب‌رسان	-	زیرک، خیانتکار، ناسپاس	مار	ساده	mar	مار
-	-	ریزچنه (مخصوصاً فرد با سر کوچک)	موش	ساده	moʃk	مشک
-	بازی میمین (رقص میمون): ادا و اطوار سبک و مسخره	زشت و بی‌قواره	میمون	ساده	meimin	میمین
-	-	وحشی، پرخاشگر	افعی، مار بزرگ	ساده	hæfi	هفی

جدول شماره ۲، صفتهای زیست‌محیطی در گویش بختیاری برای توصیف افراد را نشان می‌دهد که برگرفته از نام جانوران غیراهلی محل زندگی گویشوران است. واژه‌های گرگ، خرس، مار و شیر به ترتیب بیشترین بسامد را در این پیکره جمع‌آوری شده دارند.

ستون گروه‌های نحوی این جدول، گروه‌های نحوی با هسته نام جانوران غیراهلی محل زندگی گویشوران را نشان می‌دهد که برای توصیف افراد به کار می‌رود. استفاده زیاد از واژه‌های ساده گرگ و خرس در ترکیب‌ها و گروه‌های نحوی نشان از تأثیر این دو موجود در زندگی گویشوران این منطقه دارد یا نشان می‌دهد که حداقل در گذشته این چنین بوده است. این منطقه دارای اقلیم سرد و کوهستانی است و زیستگاه جانورانی مانند خرس و گرگ و مار است، و مردم این منطقه داستان‌های زیادی درباره این جانوران به یاد دارند. نام این سه جانور در معناهای ضمنی منفی رمزگذاری شده است و گروه‌های اسمی زیادی از این سه واژه ساخته شده است؛ برای مثال می‌توان به گرگ طمع‌کار، خرس تیرخورده اشاره کرد.

جدول شماره ۳، صفتهای زیست‌محیطی برگرفته از نام حشرات در پیکره مورد بررسی گویش لری بختیاری را از نظر ساختار صرفی، معنای تحت‌اللفظی و معنای استعاری بررسی می‌کند.

جدول شماره ۳- صفت‌های گویش بختیاری برگرفته از نام حشرات محل زندگی گویشوران

گروه‌های نحوی	واژه‌های پیچیده	معنای استعاری	معنای تحت‌اللفظی	ساختار صرفی	تلفظ	صفت
-	-	زرنگ و چابک (معمولاً برای دختر کدبانو به کار می‌رود).	پروانه	ساده	pærvanæ	پروانه
-	پشقه مرده (پشقه مرده): فرد بیش از حد ساکت	پر سر و صدا، مزاحم	پشه	ساده	pæfqaæ	پشقه
-	-	مودی	هزارپا	مرکب مکرر	tæf tæf	تش تش
-	-	کثیف	رشک (تخم شپش)	ساده	rejk	رشک
-	شش نفت (شپش دماغ): برای جلوگیری از چشم زخم	سبک و کوچک، کثیف	شپش	ساده	ʃəf	شش
کپر شیطان (تار عنکبوت موهایی آشفته و ژولیده)	-	بدیمن، زشت	عنکبوت	ساده	ʃeitun	شیطان
-	-	سمج، آزاردهنده	کنه	ساده	kænæ	کنه
-	-	پرحرف	زنبور	ساده	gondʒ	گنج

با نگاهی به جدول شماره ۳، درمی‌یابیم که در این گویش از نام برخی از حشرات به‌عنوان صفت و برای توصیف افرادی با ویژگی‌های خاص استفاده می‌شود. بسیاری از مردم این منطقه در قدیم دامدار بوده‌اند، شپش، پشه و کنه نیز با دام‌ها همزیستی دارند، و در نتیجه در واژگان گویش مردم این منطقه وارد شده‌اند. حشرات در این گویش معمولاً معنای ضمنی منفی دارند، به‌جز پروانه که معنای ضمنی مثبتی را انتقال می‌دهد. تش تش به‌معنای هزارپا است؛ به‌نظر می‌رسد شباهت هزارپای زرد به آتش و شعله‌های آن دلیل این نام‌گذاری بوده است. تش تش برای اشاره به افراد مودی و در معنای منفی به‌کار می‌رود. واژه شیطان (شیطان) در این منطقه برای نامیدن عنکبوت به‌کار می‌رود. شیطان برای اشاره به افراد زشت و بدیمن به‌کار می‌رود.

ممکن است ظاهر عجیب و سرعت زیاد عنکبوت، و به‌ویژه عنکبوت‌های پابلند با جثه کوچک که در این منطقه فراوان است، مردم منطقه را به یاد شیطان در داستان‌ها می‌انداخته است، به همین سبب به این حشره شیطون می‌گویند. گنج در گویش لری بختیاری به معنای زنبور است، گنج سور (زنبور قرمز)، گنج عسل، گنج زرد نام‌هایی است که در این منطقه برای انواع زنبور استفاده می‌شود. گنج اشاره به افراد پرحرف دارد، برخلاف آن چه تصور می‌شود، زنبور معنای مثبتی در این گویش ندارد و گویی آوای زنبور (ویزویز) و ایجاد مزاحمت این آوا، از پرکار بودن زنبور در ایجاد معنا پیشی گرفته است.

جدول شماره ۴- صفتهای گویش بختیاری برگرفته از نام پرندگان محل زندگی گویشوران

گروه‌های نحوی	واژه‌های پیچیده	معنای استعاری	معنای تحت‌اللفظی	ساختار صرفی	تلفظ	صفت
	-	کسی که زیاد و روان صحبت می‌کند.	بلبل	ساده	bolbol	بلبل
تیل بنگشت (بچه گنجشک): بی‌آزار و کوچک	-	ضعیف‌جثه و مظلوم	گنجشک	ساده	bəŋgəft	بنگشت
-	-	نحس و شوم	جغد	مشتق_م رکب	budbudæk	بودبودک
-	-	کسی که زیاد و بی‌ربط صحبت می‌کند.	بوقلمون	ساده	buqælæmun	بوقلمون
-	-	مدعی، بدون مهارت	خروس	ساده	xorus	خروس
دال بی‌ملاز (کرکس بدون زبان کوچک): فرد خستگی‌ناپذیر و مقاوم دال دهن درده (کرکس دهان‌پاره): زبان‌دراز	-	خستگی‌ناپذیر، پرسروصدا	کرکس	ساده	dal	دال
غلا بکفنه (کلاغ سرفه کند): (حالت دعایی) به جای تو کلاغ سرفه کند.	غلابی‌حالو (کلاغ بی‌دایی): غریب و بی‌کس	پرحرف، مدعی، مرموز	کلاغ	ساده	qəla/ kəla	غلا/کلا
مرغ مکینه (مرغ کارگاه): فرد تنبل، بی‌حال	-	پرسود، نادان، تنبل	مرغ	ساده	morq	مرغ
-	-	بی‌تجربه، بی‌دست‌وپا	مرغ جوان	ساده	varuk	واروک

در این گویش صفت‌های برگرفته از نام پرندگان اهلی و غیراهلی در گفتار روزمره مردم به‌وفور استفاده می‌شود. بودبودک در فارسی به‌معنای هدهد است، اما در این گویش برای اشاره به جغد به‌کار می‌رود و برای نامیدن فرد منحوس با چشم شور و به‌ویژه پیرزن‌های چشم‌شور استفاده می‌شود. دال (کرکس) در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات این گویش استفاده می‌شود و برای اشاره به فرد مقاوم و خستگی‌ناپذیر به‌کار می‌رود. غِلا یا کلا، در گویش لری بختیاری پرکاربرد و به‌معنای کلاغ است، این جانور برای اشاره به افراد پرحرف، مدعی و گاهی مرموز به‌کار می‌رود. گروه نحوی «غِلا بگُفنه» (کفیندن به‌معنای سرفه کردن است) معنای دعایی دارد، برای مثال وقتی کودکی سرفه می‌کند، این اصطلاح به‌کار می‌رود، به این معنا که تو سرفه نکن، کلاغ سرفه کند. واروک در این گویش به‌معنای مرغ جوان است و برای اشاره به افراد بی‌تجربه و بی‌دست‌وپا به‌کار می‌رود.

همان گونه که مشاهده شد، بیشتر صفت‌های مرتبط با نام جانوران در جدول‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ ساده هستند. این صفت‌ها به‌واسطه ارتباط گسترده گویشوران این منطقه با طبیعت پرکاربرد هستند. هسپلمث^۱ (۱۹۹۹)، گرینبرگ^۲ (۱۹۶۶:۳۲) و بایی^۳ (۱۹۸۵:۱۱۸) معتقدند که واژه‌های پرکاربرد در زبان در گذر زمان کوتاه می‌شوند و معمولاً دارای ساختار صرفی ساده هستند. درواقع، هرچه واژه پربسامدتر و پرکاربردتر باشد، میل بیشتری به کوتاه‌تر شدن در گذر زمان دارد.

۳-۱ بررسی معنای استعاری صفت‌های برگرفته از جانوران در گویش لری بختیاری

پیچیدگی مفاهیم انتزاعی مربوط به خصوصیات انسانی سبب شده تا همواره بیان آن با چالش‌های خاصی روبه‌رو شود. استفاده از واژه‌های مربوط به جانوران برای توصیف انسان، باعث شده است که مفاهیم ذهنی به‌گونه‌ای ملموس و محسوس نمایش داده شود. در این بخش به بررسی ویژگی‌های جسمی، رفتاری، خصوصیات عاطفی و میزان هوش جانوران در گویش لری بختیاری پرداخته می‌شود. جدول‌های شماره ۵ و ۶، دربردارنده شاخص‌های جسمی و رفتاری-ذهنی مربوط به جانوران محیط پیرامون گویشوران است. برای استخراج این خصوصیات جسمی و رفتاری-ذهنی از الگوی ساکالاوسکایت^۴ (۲۰۱۰) استفاده شد، البته در روند بررسی ویژگی‌های

1. M. Haspelmath
 2. J. Greenberg
 3. J. Bybee
 4. A. Sakalauskaite

جانوران در این گویش، برخی از ویژگی‌ها حذف و برخی دیگر اضافه شدند. به‌باور ساکالاسکایت (۲۰۱۰)، مهم‌ترین ویژگی‌های انسانی که در استعاره‌های مربوط به حوزه جانوران به‌کار می‌رود، عبارت‌اند از: ویژگی‌های جسمی (اندازه، سن، وضعیت سلامت، ویژگی‌های ظاهری، حرکت بدن، قدرت و نوع صدا)، ویژگی‌های رفتاری (تنبلی، گیجی، فرصت‌طلبی، مغرور بودن، ضعیف بودن و بی‌ادبی)، خصوصیات عاطفی (عصبانیت و مخالفت، شاد بودن، بی‌گناه و معصوم بودن، ضعیف و خسته بودن، دیوانه بودن) و هوش (باهوش بودن، حيله‌گری و حماقت). خصوصیات ذکر شده، مهم‌ترین ویژگی‌های انسانی هستند که در استعاره‌های مربوط به حوزه جانوران به‌کار رفته است. در جدول شماره ۵، ویژگی‌های جسمی (اندازه، سن، وضعیت سلامت، ظاهر، حرکت، قدرت و صدا) در هر جانور بررسی می‌شود، به این صورت که با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده گفتاری و نوشتاری، ویژگی‌های جسمی مربوط به جانوران لحاظ می‌شود.

با توجه به جدول شماره ۵، مشخص می‌شود که به‌صورت میانگین شاخص‌های خصوصیات جسمی برای حیوانات اهلی بیشتر است. همچنین گویشوران این منطقه از مثال‌ها، مقایسه‌ها، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های زیادی درباره گراز، گرگ و مار استفاده می‌کنند، به این دلیل که این جانوران از دیرباز در زندگی گویشوران تأثیر زیادی داشته‌اند. اسب (درشت، سالم، سریع، زیبا، قوی)، سگ (پیر، بیمار، زشت، پرسروصدا، دارای صدای خشن)، گربه (کوچک، جوان، ضعیف، با صدای ضعیف)، گرگ (پیر، سریع، قوی، با صدای بلند)، مادیان (درشت، بلند، زیبا، قوی، سالم) خر (درشت، قوی، جوان، با صدای بلند) و گاو (درشت، بلند، چاق، قوی، با صدای بلند) نشان‌دهنده بیشترین شاخص‌های ویژگی‌های مربوط به بدن جانور هستند. ویژگی زیبایی در اسب، شیر و مادیان مورد توجه مردم این منطقه است.

جدول شماره ۶، نام جانورانی که بیانگر ویژگی‌های جسمی در گویش لری بختیاری هستند را نشان می‌دهد. بر طبق داده‌های جدول مشخص می‌شود که «زشت بودن و سریع بودن» از جمله خصوصیات است که بسامد بالایی در استفاده از نام جانور به‌عنوان صفت دارد. پیکره مورد بررسی نیز تأییدی بر گفته هسیه (۲۰۰۶) دارد که نام جانوران بیشتر برای تحقیر به‌کار می‌روند تا تحبیب، زیرا صفت‌هایی مانند زشت، پرسروصدا، بیمار، پیر و ضعیف در توصیف افراد معنای منفی دارد و کاربرد بیشتری در میان نام جانوران دارد، اما صفت‌هایی مانند زیبا، سالم و جوان که برای توصیف افراد بار معنایی مثبت دارد، کاربرد کمتری دارد.

جدول شماره ۶- ویژگی‌های معنایی مربوط به بدن جانوران در گویش لری بختیاری

نام جانور	ویژگی‌های معنایی مربوط به بدن جانور	نام جانور	ویژگی‌های معنایی مربوط به بدن جانور
اسب، خر، خرس، شتر، گاو، گراز، گوساله، مادبان، افعی	درشت	گرگ، سگ، شغال، عنکبوت، کفتار، افتاب‌پرست، موش، میمون	
بره، قورباغه، گنجشک، پشه، شیش، کنه، موش، مرغ جوان	کوچک	اسب، بز، بزغاله نر، پروانه، پلنگ، هزارپا، خرگوش، روباه، گراز، زنبور، مار، موش	سریع
مرغ	کوتاه	شتر، کاسه‌پشت (لاک‌پشت)، میش	آهسته
شتر، گاو، مادبان	بلند	بره، قورباغه، گنجشک، گربه، مرغ	ضعیف (قدرت)
خرس، گاو، گوساله، مادبان، میش	چاق	اسب، پلنگ، خر، خرس، شتر، شیر، قاطر، گاو، گراز، گرگ، مار، مادبان، افعی	قوی
بز نر	لاغر	گربه	ضعیف (صدا)
بره، بز، بزغاله نر، خر، خروس، گربه، گوساله، مادبان، واروک	جوان	بلبل، بوقلمون، خر، خروس، قاطر، کلاغ، شغال، گاو، گرگ	بلند (صدا)
سگ، گرگ	پیر	بز، بلبل، بوقلمون، بز نر، سگ، زنبور	پرسروصدا
اسب، شیر، میش	سالم	جغد، سگ، کلاغ، کفتار، مار	خشن (صدا)
پشه، سگ	بیمار		
اسب، شیر، مادبان	زیبا		
انتر، بودبودک، پشه، هزارپا،	زشت		

بررسی پیکره نشان می‌دهد که حشرات ویژگی‌های جسمی کمتری نسبت به دیگر جانوران دارند؛ هر حشره حداکثر سه ویژگی جسمی دارد، برای مثال خصوصیت‌های سریع بودن و پرسروصدا بودن برای زنبور، خصوصیت سریع بودن برای پروانه، زشت بودن برای عنکبوت (شیطون) و هزارپا (تش تش) به کار می‌رود.

در جدول شماره ۷، ویژگی‌های رفتاری (سخت‌کوشی، تنبلی، ناهشیاری، تقلید، بی‌اخلاقی و بی‌ادبی، خیانت، فرصت‌طلبی، غرور، خشونت، مرموز بودن، شجاعت)، خصوصیات عاطفی (عصبانیت، شادی، بی‌گناهی و معصوم بودن و دیوانگی) و میزان هوش جانوران (باهوش و باتجربه بودن، حيله‌گری، بی‌تجربگی و احمق بودن) در گویش لری بختیاری با توجه به پیکره گفتاری و نوشتاری ارائه می‌شود. این ویژگی‌ها در معنای استعاری برای توصیف ویژگی‌های انسان در این گویش به کار می‌روند.

از میان شاخص‌های خصوصیات رفتاری، تنبلی و ناهشیاری، از میان شاخص‌های خصوصیات عاطفی، عصبانیت و از میان شاخص‌های خصوصیات در مورد هوش، بی‌تجربه‌بودن، بیشترین کاربرد را در میان ویژگی‌های رفتاری، عاطفی و میزان هوش جانوران دارد. گاو (گیج، عصبانی، بی‌تجربه، احمق)، گراز (گیج، بی‌ادب، خشن، عصبانی، دیوانه)، گربه (تنبل، بی‌ادب، خیانتکار، فرصت‌طلب، مغرور)، گرگ (طمع‌کار، خیانت‌کار، فرصت‌طلب، خشن، عصبانی و حيله‌گر) و مار (خیانت‌کار، فرصت‌طلب، مغرور، خشن، مرموز، حيله‌گر) بیانگر بیشترین شاخص‌های ویژگی‌های رفتاری، عاطفی و میزان هوش جانوران هستند. این خصوصیات به‌صورت استعاری برای توصیف انسان به‌کار می‌روند. چنانکه واژه گاو برای توصیف فرد گیج و احمق به‌کار می‌رود. نکته دیگر این است که هیچ‌کدام از خصوصیات جدول ۶، برای توصیف قورباغه و شپش به‌کار نرفته است. جدول شماره ۸، نام جانوران با ویژگی‌های رفتاری، عاطفی و میزان هوش جانوران در گویش لری بختیاری را نشان می‌دهد. برطبق داده‌های جدول مشخص می‌شود که ویژگی «گیج‌بودن» از جمله خصوصیات است که بیشترین بسامد را در استفاده از نام جانور به‌عنوان صفت دارد. ویژگی «بی‌تجربه بودن» با ۱۰ نام جانور (بز، بیگولی، خر، قاطر، گاو، گورور، مرغ، میش، میمون، واروک) و «عصبانی‌بودن» با ۸ نام جانور (پلنگ، دال، سگ، شتر، گاو، گراز، گرگ، هفی) از لحاظ تنوع نام جانوران به‌عنوان صفت در این گویش بیشترین کاربرد را دارد. ویژگی «شجاع‌بودن» فقط برای اشاره به شیر کاربرد دارد. مانند جدول شماره ۵ و ۶، ویژگی‌هایی که معمولاً برای تحقیر افراد به‌کار می‌روند، در ویژگی‌های رفتاری، عاطفی و میزان هوش جانوران نیز کاربرد بیشتری دارند، و به‌طور میانگین نام جانورانی که در صفت‌های منفی مانند «بی‌اخلاق و بی‌ادب، خیانت‌کار، فرصت‌طلب، مغرور، خشن، عصبانی، دیوانه، حيله‌گر، بی‌تجربه، احمق و نحس» برای توصیف افراد به‌کار می‌رود پرکاربردتر است.

جدول شماره ۸- نام جانوران با ویژگی‌های رفتاری، عاطفی و میزان هوش جانوران در گویش لری بختیاری

نام جانور	ویژگی‌های معنایی مربوط به بدن جانور	نام جانور	ویژگی‌های معنایی مربوط به بدن جانور
اسب، خر، خرس، شتر، گاو، گراز، گوساله، مادبان، افعی	درشت	کرکس، سگ، شغال، عنکبوت، کفتار، افتاب‌پرست، موش، میمون	
بره، قورباغه، گنجشک، پشه، شپش، کنه، موش، مرغ جوان	کوچک	اسب، بز، بزغاله نر، پروانه، پلنگ، هزارپا، خرگوش، روباه، گراز، زنبور، مار، موش	سریع
مرغ	کوتاه	شتر، کاسه‌پشت (لاک‌پشت)، میش	آهسته
شتر، گاو، مادبان	بلند	بره، قورباغه، اگنجشک، گربه، مرغ	ضعیف (قدرت)
خرس، گاو، گوساله، مادبان، میش	چاق	اسب، پلنگ، خر، خرس، شتر، شیر، قاطر، گاو، گراز، گرگ، مار، مادبان، افعی	قوی
بز نر	لاغر	گربه	ضعیف (صدا)
بره، بز، بزغاله نر، خر، خروس، گربه، گوساله، مادبان، واروک	جوان	بلبل، بوقلمون، خر، خروس، قاطر، کلاغ، شغال، گاو، گرگ	بلند (صدا)
سگ، گرگ	پیر	بز، بلبل، بوقلمون، بز نر، سگ، زنبور	پرسروصدا
اسب، شیر، میش	سالم	جغد، سگ، کلاغ، کفتار، مار	خشن (صدا)
پشه، سگ	بیمار		
اسب، شیر، مادبان	زیبا		
انتر، بودبودک، پشه، هزارپا،	زشت		

پس از بررسی جانوران محیط زندگی گویشوران لری بختیاری با توجه به ویژگی‌های رفتاری، عاطفی و میزان هوش ذکر شده در جدول‌های شماره ۵، ۶، ۷، ۸، این نتیجه حاصل می‌شود که مانند جدول شماره ۵، گویشوران خصوصیات استعاری بیشتری را برای حیوانات اهلی در توصیف انسان برشمرده‌اند. دلیل این امر آن است که گویشوران از قدیم با این حیوانات ارتباط نزدیکی داشته‌اند، و این ارتباط زیاد باعث شده است تا انسان به رفتار و خلق‌وخوی این جانوران دقت بیشتری کند (کابالیس^۱ و مارتینز^۲، ۲۰۰۶). نکته قابل ذکر این است که از تعداد کمی از حشرات برای اشاره به خصوصیات رفتاری، عاطفی و هوشی استفاده شده است، که به نظر می‌رسد اندازه کوچک این جانوران و نیز ارتباط کمتر با گویشوران دلیل این مسئله باشد. به‌علاوه، صفت‌های برگرفته از نام حشرات بیشتر برای توصیف ویژگی‌های جسمی (مربوط به بدن جانور) به‌کار رفته‌اند تا ویژگی‌های رفتاری و ذهنی. از سوی دیگر، حیوانات وحشی مانند گراز، شغال، خرس، مار و گرگ در جنبه‌های مختلف رفتاری، عاطفی و هوشی برای انسان متمایز بوده‌اند و در صفت‌ها برای توصیف انسان کاربرد داشته‌اند، زیرا این جانوران از قدیم در محیط پیرامون انسان زیسته‌اند و انسان به رفتارهای آنها توجه داشته است و برای توصیف هم‌نوعان خود از نام این جانوران استفاده می‌کند.

۵- نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، ضمن معرفی رویکردهای زبان‌شناسی زیست‌محیطی، صرف زیست‌محیطی و استعاره مفهومی، به جنبه‌هایی از این رویکردها در تحلیل داده‌هایی از واژه‌های زیست‌محیطی مربوط به نام جانوران در گویش لری بختیاری پرداخته شد. گویشوران منطقه چهارمحال و بختیاری به‌واسطه شغل کشاورزی و دامداری با طبیعت ارتباط زیادی داشته و دارند، و برای توصیف پدیده‌ها از عناصر موجود در طبیعت و به‌ویژه از جانوران بسیار الهام گرفته‌اند. جدول‌های شماره ۱، ۲، ۳، ۴، تنوع کاربرد نام جانوران برای توصیف افراد را در این گویش نشان می‌دهد. در جدول شماره ۵، خصوصیات جسمی (اندازه، سن، وضعیت سلامت، ظاهر، حرکت، قدرت و صدا) هر جانور در پیکره بررسی شد، اسب (درشت، سالم، سریع، زیبا، قوی)، سگ (پیر، بیمار، زشت، پرسروصدا، دارای صدای خشن)، گربه (کوچک، جوان، ضعیف، با صدای ضعیف)، گرگ (پیر، سریع، قوی، با صدای بلند)، مادیان (درشت، بلند، زیبا، قوی، سالم) خر (درشت، قوی، جوان، با صدای بلند) و گاو (درشت، بلند، چاق، قوی، با صدای بلند) نشان‌دهنده بیشترین ویژگی‌های مربوط به بدن جانور هستند. در جدول شماره ۷، ویژگی‌های رفتاری (سخت‌کوشی، تنبلی، ناهشیاری، تقلید، بی‌اخلاقی و بی‌ادبی، خیانت، فرصت‌طلبی، غرور، خشونت، مرموز بودن، شجاعت)، خصوصیات عاطفی (عصبانیت، شادی، بی‌گناهی و معصوم‌بودن و دیوانگی) و میزان هوش جانوران در گویش لری بختیاری با توجه به پیکره گفتاری و نوشتاری بررسی شد. چنانکه در بخش‌های قبلی اشاره شد، این ویژگی‌ها به‌صورت استعاری برای توصیف انسان به‌کار می‌رود. با توجه به داده‌های این جدول، گاو (گیج، عصبانی، بی‌تجربه، احمق)، گراز (گیج، بی‌ادب، خشن، عصبانی، دیوانه)، گربه (تنبلی، بی‌ادب، خیانتکار، فرصت‌طلب، مغرور)، گرگ (طمعکار، خیانت‌کار، فرصت‌طلب، خشن، عصبانی و حيله‌گر) و مار (خیانت‌کار، فرصت‌طلب، مغرور، خشن، مرموز، حيله‌گر) بیانگر بیشترین شاخص‌های ویژگی‌های رفتاری، عاطفی و میزان هوش جانوران هستند.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که در استعاره‌های برگرفته از جانوران موجود در این پیکره، ویژگی‌های ظاهری و رفتاری حیوان‌های اهلی که مورد توجه انسان است، بیشتر از ویژگی‌های مربوط به حیوان‌های وحشی، پرندگان و حشرات است. بدیهی است که این مسئله به‌دلیل ارتباط نزدیک انسان با حیوان‌های اهلی است، و انسان در گذر زمان ویژگی‌های رفتاری و عادات این حیوان‌ها را به‌دقت مشاهده کرده است. ازسوی دیگر، صفت‌های برگرفته از گراز، شغال، مار، خرس و گرگ در میان ویژگی‌های جسمی (جدول ۵ و ۶) و ویژگی‌های رفتاری و ذهنی (جدول ۷ و ۸) شاخص‌های فراوانی داشت و این موضوع به‌دلیل تأثیر زیاد این حیوانات در زندگی گویشوران این منطقه بوده است. به‌لحاظ ساختار صرفی نیز صفت‌های مربوط به نام

حیوانات اهلی ساده هستند، زیرا واژه‌های پرکاربرد و پربسامد در گذر زمان تمایل به کوتاه‌تر شدن دارند.

در این پژوهش تنها به صفت‌های برگرفته از نام جانوران پرداخته شد، و با توجه به تأثیر جنبه‌های دیگر محیط زیست بر زبان، می‌توان آن را آغازی برای پژوهش‌های دیگر در راستای رویکردهای مختلف مرتبط با زبان، محیط زیست، زیست‌بوم و مانند آن دانست.

منابع

احمدی‌پور، طاهره. (۱۳۹۰). «درآمدی بر زبان‌شناسی زیست‌محیطی». انسان و محیط‌زیست، شماره ۱۷، ۳۲-۱۱.

داوری، بهرام (۱۳۴۳). *ضرب‌المثل‌های بختیاری*. تهران: کتابخانه طهوری.
زن رونگ، وانگ (۱۳۹۳). «حیوانات در ضرب‌المثل‌های چینی و فارسی». *مجله مطالعات انتقادی ادبیات*. س ۱، ش ۲، ۳۰-۱۱.

شریفی‌مقدم، آزاده و نرجس ندیمی (۱۳۹۲). «تحلیل معنی‌شناختی از کاربرد حیوانات در ضرب‌المثل‌های گویش لار (با تکیه بر دلالت، موضوعیت و کارکرد اجتماعی)». *فصلنامه نامه فرهنگستان*. ویژه‌نامه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی ۲. س ۱۳، ش ۱، ۱۵۹-۱۳۷.

صفاری، مه‌ری (۱۳۷۱). «بررسی اکولوژی درخت خرما و ارقام آن در استان کرمان». *مجموعه مقالات اولین سمینار خرما*. دانشگاه شهید باهنر کرمان.

طاهری، اسفندیار (۱۳۹۱). «ریشه‌شناسی واژه‌هایی از گویش بختیاری». *فصلنامه نامه فرهنگستان*. ش ۴۸، ۱۳۷-۱۱۱.

فروتن، فرید (۱۳۷۵). *گنجینه مثل‌های بختیاری*. اهواز: انتشارات خوزستان.
قطره، فریبا و مهناز طالبی (۱۳۹۰). «صرف‌شناختی و گستره آن». *مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی صرف*. انجمن زبان‌شناسی ایران. ۱۵۴-۱۳۹.

قطره، فریبا، حمیده پشتوان و مهناز طالبی دستنایی (۱۳۹۴). «رویکرد زیست‌محیطی در پژوهش‌های زبانی». *زبان‌شناخت*. دوره ۶، ش ۱۱، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۴۳-۲۳۱.

قنبری عدیوی، عباس (۱۳۴۶). *ضرب‌المثل‌های بختیاری*. شهرکرد: نشر ایل.
کرمیان، غلامرضا (۱۳۹۲). *واژگان اشکانی و ساسانی در زبان لری*. تهران: مؤلف.
مسیحی‌پور، مرضیه و باقر خرمی (۱۳۹۵). «گزینشی از واژه‌های گویش لری لنده». *دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی*. دانشگاه شیراز، س ۱، ش ۱، ۱۵۹-۱۴۳.

- Bang, J. C. & J. Døør (1993). "Eco-linguistics: a framework". *Ecolinguistics – Problems, Theories and Methods*. R. Alexander et al (Eds.), The International Association of Applied Linguistics, Odense University, 31–60.
- Barron, C., N. Bruce, & D. Nunan (2002). (Eds.). *Knowledge and Discourse . Towards an Ecology of Language*. London: Longman.
- Bybee, J. (1985). *Morphology: a study of the relation Between Meaning and Form*. Amsterdam: John Benjamin.
- De la Cruz Cabanillas. I., & C. Tejedor Martínez (2006). "Chicken or hen? Domestic fowl metaphors denoting human beings". *Studia Anglica Posnaniensia* 42, 337-354.
- Dong, H. (2013). "A Metaphoric Study of Chinese Sun Myths". Paper presented at *the International Conference on the Modern Development of Humanities and Social Science*. Hong Kong.
- Greenberg, J. (1966). *Language universals with special reference to feature hierarchies*. Janua Linguarum, Series Minor 59. The Hague: Mouton.
- Haspelmath, M. (1999). "Explaining article-possessor complementarity: economic motivation in noun phrase syntax". *Language*. 75(2), 227-243.
- Haugen, E. (1972). *The Ecology of Language*. Stanford: Stanford University Press.
- Hsieh, S. C. (2006). "A corpus-based study on animal expressions in Mandarin Chinese and German". *Journal of pragmatics*. 38(12), 2206-2222.
- Hsieh, S. C. (2008). "Cognitive models of using animal and plant metaphors". *Languages across Cultures*, 131-149.
- Kövecses, Z. (1997). "In search of the metaphor system of English." HUSSE Papers 1997, *Proceedings of the Third Biennial Conference*. M. Kurdi & J. Horváth (eds.), Pécs: Pécs University Press, 323-338.
- Kövecses, Z. (2000). *Metaphor and Emotion: Language, Culture, and Body in Human Feeling*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G & M. Johnson (1980). *Metaphors We Live By*. Chicago: University of Chicago Press.
- Talebinejad, M. R., & H. V. Dastjerdi (2005). "A Cross-Cultural Study of Animal Metaphors: When Owls Are Not Wise."! *Metaphor and Symbol*. 20(2), 133-150.
- Mühlhäusler, P. (2003). *Language of Environment and environment of language: a course in Ecolinguistics*. London and Colombo: Battle Bridge Publication.
- Sakalauskaite, A. (2010). *Zoometaphors in English, German, and Lithuanian: A corpus study*. Ph.D. Dissertation, University of California, Berkeley, Ann Arbor. Retrieved from

- <https://search.proquest.com/docview/749356064?accountid=27932>
ProQuest Dissertations & Theses Global database.
- Sapir, E. (1912). "Language and environment." *American Anthropologist*. 14 (2), 226-242.
- Steffensen, S. V. (2007). "Language, Ecology and Society: An introduction to Dialectical Linguistics". *Language, Ecology and Society. A Dialectical Approach*. J. C. Bang, & J. Døør 2007 (Eds.), 3-31.
- Steffensen, S. V., & J. Bundsgaard (2000). "The Dialectics of Ecological Morphology or the Morphology of Dialectics". *ELI Research Group*. University of Southern Denmark, 9-35.
- Wierzbicka, A. (1985). *Lexicography and Conceptual Analysis*. Ann Arbor: Karoma Publishers.